



نقش فرم‌های فضایی در بازتولید سرمایه اجتماعی در شهرهای ساحلی با تاکید بر کاربری زمین (مطالعه موردی: شهر بابلسر)

دکتر اسماعیل علی اکبری^۱
دکتر صادق برزگر^۲

دکتر امیر بخشی^{۱*}
دکتر اسدا... دیوسالار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

چکیده:

ایده بازتولید فرایندهای اجتماعی توسط فرم‌های فضایی یا طراحی کالبدی شهرها از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا به امروز به عنوان پاسخی به مشکلات مختلف ناشی از روند رو به رشد شهری شدن در دنیا در بین صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه علوم فضایی مطرح و مورد مباحثه بوده است. این امر در شهرهای ساحلی به عنوان مناطقی پویا و مولد که از یک سو بستر بیشترین نرخ رشد شهرنشینی در دنیای امروز بوده و از دیگر سو مسائل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از این رشد در آن ظهور و بروز بیشتری دارد، دوچندان است. از جمله مسائلی چون افول شبکه‌های اجتماعی ناشی از جدایی‌گزینی اجتماعی - اقتصادی، نابرابری اجتماعی و عدم اعتماد متقابل ناشی از آن و کاهش مشارکت‌پذیری اجتماعی و مدنی منبعت از عدم تعلق خاطر مکانی در شهرهای ساحلی منجر به تضعیف سرمایه اجتماعی در شهرهای ساحلی شده است. هدف این پژوهش سنجش و ارزیابی میزان تأثیرگذاری کاربری ترکیبی به-عنوان فرمی فضایی بر سرمایه اجتماعی در شهر ساحلی بابلسر می‌باشد. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و بدین منظور نمونه آماری متشکل از ۳۸۲ نفر از شهروندان شهر ساحلی بابلسر مورد مطالعه قرار گرفته و توزیع فضایی شاخص سرمایه اجتماعی در سطح شهر بابلسر با روش ویکور مورد محاسبه و با الگوی توزیع کاربری‌ها در سطح شهر بابلسر مورد مقایسه قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش مبین آن است که محلات هسته اصلی شهر و غرب بابلرود با بهره بردن از بالاترین میزان سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت و متوسطی با شاخص کاربری ترکیبی فرانک در سطح شهر بابلسر نشان می‌دهد. از این رو افزایش کاربری‌های ترکیبی با ارتقا تعاملات اجتماعی و عدالت فضایی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شهر ساحلی بابلسر شود.

واژگان کلیدی: کاربری ترکیبی، سرمایه اجتماعی، شهر ساحلی، بابلسر

* amirbakhshi62@gmail.com

۱. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران

۲. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران

۳. استاد گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

این ایده که سرمایه اجتماعی جوامع می‌تواند در نتایج سودمند اقتصادی و اجتماعی توسعه شهری مانند دسترسی به سطح آموزش بالاتر، سطوح پایین تر جرم و جنایت، فرم حکومت رانی کارآمدتر و افزایش تولید ناخالص داخلی، نقش مهمی ایفا کند به شکل فزاینده‌ای در حال پذیرفته شدن است (Harper, 2001: Aldridge et al, 2002). لذا سرمایه اجتماعی در کنار سایر اشکال سرمایه شامل سرمایه طبیعی (منابع و جریان مواد و انرژی)، سرمایه مالی (سرمایه به شکل منابع مالی قابل تملک و داد و ستد)، سرمایه ساخته شده (ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و تکنولوژی) و سرمایه انسانی (سلامت، علم، مهارت و رفتارهای فردی) قرار گرفته و سهم مهمی در ایجاد توسعه پایدار جوامع بازی می‌کند (Paranagamge, 2014: 231). نظریه سرمایه اجتماعی ارائه دهنده ساختاری منطبق و مختص بستر اجتماعی آن است که توسط گروهی از عوامل شامل تاریخ و فرهنگ، ساختار اجتماعی، نابرابری اقتصادی، طبقه اجتماعی، ساختار قومی و نژادی و همچنین فرم و طراحی شهری تعیین می‌شود. در این میان اگرچه فرم شهری به‌عنوان عاملی تعیین کننده در مباحثات عمیق پیرامون جنبه‌های خاص مرتبط با تعاریف شناخته می‌شود با این وجود عملکرد و بروز سرمایه اجتماعی در آن برجسته نمی‌باشد. به شکل مشابهی مطالعات تجربی بعضاً به نقش محیط شهری به‌عنوان یک متغیر در ارتباط میان سرمایه اجتماعی و سلامت عمومی (Baumand and Palmer, 2002) و همچنین سرمایه اجتماعی و جرم و جنایت (Lindstorm et al, 2003) پرداخته‌اند، با وجود این مطالعات معدودی پیرامون ارتباط سرمایه اجتماعی و فرم و طراحی شهری صورت گرفته است.

اصول طراحی و فرم‌های شهری، بر این بنیان بنا شده است که فضاهای شهری می‌توانند و می‌باید به شکلی که مردم و جوامع محلی قادر به رسیدن به پتانسیل‌ها، شکوفایی ظرفیت‌ها و توانمند سازی خود باشند توسعه پیدا کنند. به‌علاوه طراحی اشکال کالبدی می‌بایست به گونه‌ای صورت گیرد از هرگونه انحراف یا مانع تراشی در وقوع این امر جلوگیری شود. در بین ویژگی‌های تبیین کننده فرم شهری شامل ساختار حرکتی، دسترسی، مجاورت، هسته‌ای شدن، مرکزیت، تراکم، پیوستگی و خوشه‌ای شدن (Glaster et al, 2001)، کاربری ترکیبی زمین به‌عنوان یکی از عوامل مشترک و عمومی تفکرات نوشهرگرایانه، از عوامل تأثیرگذار بر دسترسی به خدمات روزانه، کیفیت و کمیت جابه‌جایی‌های شهری و تعاملات اجتماعی در درون جوامع محلی و با یکدیگر و در نتیجه کارکرد چشم‌اندازهای جغرافیایی است (سیف‌الدینی و شورچه، ۱۳۹۲).

کاربری ترکیبی واجد مفاهیم متعدد و مختلفی می‌باشد. ولی این مفاهیم در نمایش مستقیم تمایل بشری و فعالیت‌های مرتبط با آن و میزان تعامل آن با محیط اطراف خود با یکدیگر همپیوندی دارند. ترکیب انواع تسهیلات و خدمات خرده‌فروشی، تجاری و اجتماعی که به وسیله‌ای

شبکه‌ای از پیاده راه‌ها به هم متصل بوده و بصورت پیاده قابل دسترس باشند، در کنار مراکز عمده شغلی، مدارس و بیمارستان‌ها که به صورت یکپارچه و سازماندهی شده توسط حمل و نقل عمومی قابل دسترسی هستند، مشوق استفاده بیشتر مردم از فضاهای محله‌ای و در نتیجه افزایش حس تعلق مکانی و بهبود تعاملات و یکپارچگی اجتماعات محلی است. بعلاوه کاربری ترکیبی با ارائه فرصت‌های شغلی برای جوامع محلی به ایجاد اشتغال در نزدیکی محل سکونت کمک کرده و اشتغال را برای افرادی که رفت و آمد طولانی تا محل کار برای آن‌ها از نظر اقتصادی و فرصت‌های شغلی محدود کننده است، تسهیل می‌نماید. جونز و همکاران (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که در حالی که تسهیل پذیرش اجتماعی با جذب از این‌رو گسترش کاربری‌های ترکیبی به معنی گسترش فضای حیاتی برای تعاملات اجتماعی و مشارکت شهروندان و در نتیجه ایجاد گسترش عدالت اجتماعی - فضایی، گسترش حس اعتماد متقابل و شبکه‌سازی اجتماعی است.

اهمیت این امر در شهرهای ساحلی دوچندان است. مناطق ساحلی به دلیل دسترسی به آب و مجاورت با زمین‌های حاصلخیز به شکلی تاریخی ارائه دهنده امکانات مناسبی برای توسعه بوده‌اند. جذب جمعیت در این مناطق هیچ‌گاه متوقف نشده و گسترش شهرنشینی در آن بسیار سریع است (IHDP, 2015:4). هم‌اکنون نزدیک به نیمی از جمعیت جهان در ۶۰ کیلومتری خطوط ساحلی زندگی می‌کنند و پیش بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۴ میلیارد نفر افزایش یابد (Voula, 2015:8). این روند افزایش جمعیت در مناطق ساحلی با رشد شهری شدن همراه بوده است، به گونه‌ای که سیستم‌های ساحلی، شهری ترین سیستم در مقایسه سایر سیستم‌ها می‌باشد. مطابق بررسی‌ها ۶۹/۴ درصد جمعیت ساکن در مناطق ساحلی، شهرنشین بوده و تراکم جمعیتی آن به سبب دسترسی به فرصت‌های حمل‌ونقل و خدماتی که سیستم ساحلی ارائه می‌دهد تقریباً به میزان ۴۵ درصد بیش از متوسط تراکم مناطق شهری در دنیا است (Marsousi and Sadat, 2008:116). تمرکز بالای جمعیت در مناطق ساحلی مزیت‌های فراوانی مانند مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل ارتقا یافته، رشد صنعتی و شهری، منافع حاصل از توریسم و تولیدات مواد غذایی برای ساکنان آن مناطق به همراه داشته است، اما مواردی چون بهره‌برداری اختصاصی از حقوق توسعه این مناطق و منابع حاصل از آن (Williams, 2014)، ایجاد ناسازگاری بین منافع حاصل از انواع فعالیت‌های اقتصادی به واسطه بخشی‌نگری در طرح‌های توسعه (Rudianto and Gusti, 2014)، محدود شدن دسترسی عمومی به ساحل (Kar, 2007)، عدم توجه به نقش مشارکت شهروندان و ذینفعان (Areizaga et al, 2012) و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و فقدان کارایی برنامه‌های اجرایی (Lin et al, 2013). بعلاوه عواملی چون جمعیت شناور و پدیده‌هایی چون خانه‌های دوم، جدایی‌گزینی اجتماعی - اقتصادی بالاخص در شهرک‌های ساحلی و کاهش تعاملات اجتماعی ناشی از توسعه افقی شهرها، منجر به کاهش مشارکت اجتماعی و مدنی شهروندان، عدم اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی، کاهش حس اعتماد و امنیت و تضعیف شبکه‌های اجتماعی و حمایتی و در نتیجه افول سرمایه اجتماعی این شهرها را بدنبال داشته است.

مجموعه این عوامل صاحب‌نظران را بر آن داشته تا در پی ایجاد و توسعه فرم‌های شهری در شهرهای ساحلی باشند که منجر به کاهش این مسائل شوند. فارغ از این‌که ایده تأثیرپذیری فرایندهای اجتماعی از فرم‌های شهری خود دارای موافقان و مخالفان جدی است، با وجود این موافقان این ایده، همواره بر کاربری ترکیبی زمین به‌عنوان یکی از عوامل مشترک و عمومی تفکرات نوشهرگرایانه، هم‌منظر بوده‌اند. این پژوهش در پی آن است که با سنجش میزان استفاده ترکیبی از زمین رابطه آن را با تحقق و بهبود سرمایه اجتماعی در سطح محلات شهرهای ساحلی ارزیابی

نماید. بدین منظور شهر ساحلی بابلسر با توجه به دارا بودن ویژگی‌هایی چون داشتن موقعیت ویژه از حیث پیوستگی شهر با مناطق ساحلی پیوستگی، اکوسیستم ساحلی با صنایع و فعالیت‌های مختلف ساحلی نظیر اکوتوریسم و صنعت شیلات، عدم وجود کاربری‌های متناسب با ظرفیت اکوسیستم ساحلی شهر و در نتیجه کاهش کیفیت زیست محیطی، تغییر وسیع کاربری اراضی مولد به دلیل تقاضای بالا، محدودیت شدید فضا جهت توسعه در شمال، جنوب غرب و جنوب شرق شهر، عدم وجود گزینه‌های متنوع مسکونی برای ساکنان، دسترسی نامناسب به خدمات و در نتیجه افزایش استفاده از اتومبیل‌های شخصی برای سفرهای روزانه و عدم توجه به نقش مشارکت شهروندان و گروه‌های ذینفع در برنامه‌های شهری علیرغم دانشگاهی بودن شهر انتخاب نمودیم. بر این مبنا و به منظور دستیابی به هدف تحقیق، سوالات زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- وضعیت موجود محلات مختلف شهر ساحلی بابلسر از حیث کاربری ترکیبی چگونه است؟
- آیا بین میزان استفاده ترکیبی از زمین و تحقق سرمایه اجتماعی در محلات مختلف شهر ساحلی بابلسر رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

مبانی نظری

کاربری ترکیبی واجد مفاهیم متعدد و مختلفی می‌باشد. ولی این مفاهیم در نمایش مستقیم تمایل بشری و فعالیت‌های مرتبط با آن و میزان تعامل آن با محیط اطراف خود با یکدیگر همپیوندی دارند. کاربری ترکیبی به مکان‌یابی انواع متفاوت کاربری زمین؛ اعم از مسکونی، تجاری، اداری، تفریحی و غیره نزدیک هم برمی‌گردد. این توسعه ترکیبی می‌تواند در مقیاس‌های متنوع اتفاق بیفتد؛ مانند ترکیب در داخل ساختمان‌ها (مانند دفاتر اداری که طبقات بالایشان مسکونی است)، در طول خیابان‌ها و داخل واحدهای همسایگی. همچنین، می‌تواند شامل انواع مسکن و قیمت آنها شود که باعث ایجاد طبقه بندی درآمدی و جمعیتی می‌شود. این ترکیب در شهرها رایج است و جزو کلیدی نوسهرگرایی است (قربانی و ترکمن‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۲). در عین حال برخی آنرا به عنوان یک الگوی ناهمگونی در بهره‌برداری از زمین در مناطق مشخص جغرافیایی توصیف می‌کنند که معمولاً شامل موارد مسکونی و تجاری، سازمانی، صنعتی، سرگرمی و استفاده از کشاورزی است (Karen et al, 2012). ترکیب کاربری‌ها ممکن است در سه سطح افقی، عمودی یا ترکیبی از این دو انجام شود. شکل ۱ بیانگر این موارد می‌باشد.



شکل ۱- انواع کاربری ترکیبی (منبع: پورمحمدی و موسوی، ۱۳۹۴: ۳۷)

با نگاهی اجمالی به سیر تکوینی کاربری ترکیبی در می‌یابیم از دوران باستان - که توزیع کاربری-های شهری بر اساس دسترسی به خدمات مبتنی بر جدایی‌گزینی مذهبی بوده- تا قرون وسطی به شکلی تاریخی، تمایل به ایجاد فرم‌های کاربری ترکیبی در سکونتگاه‌های انسانی به‌واسطه نزدیکی محل کار و سکونت ساکنان وجود داشته است. با این وجود بسیاری از صاحب‌نظران شکوفایی این ایده را محصول تاکید جنبش مدرنیسم بر جدایی کاربری‌ها به شکلی اقلیدسی ناشی از آرای بزرگانی چون لوکوربوزیه و شکل‌گیری منشور آتن می‌دانند. بطوریکه در نتیجه افزایش مالکیت اتومبیل‌های شخصی و به‌واسطه تسهیل مسافرت‌های دورن شهری تمایل به جدایی‌گزینی در حومه-های شهری و رها کردن بخش مرکزی شهرها بدنبال تحولات پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۶۰ کاربری ترکیبی به عنوان پاسخی به آثار منفی این جنبش که جین جیکوبز از آن به عنوان مرگ شهرها یاد می‌کند، بروز یافت. در نتیجه در طول دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، بازگشتی دوباره به کاربری ترکیبی به عنوان بازفعال سازی مراکز عمده شهری در قالب پروژه‌های بزرگ توسعه کاربری‌های ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر در دهه ۷۰ و ۸۰ نیز ادامه یافته و کاربری ترکیبی به‌عنوان ابزاری برای نوسازی مناطق شهری مسئله دار در چارچوب دیدگاه شهر فشرده و به عنوان کاتالیزوری برای کاهش سفرهای شهری مطرح می‌باشد. بالاخره از دهه ۱۹۹۰ بدین سو، کاربری ترکیبی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در ایجاد واحدهای همسایگی پایدار شهری در قالب نظریات نوشهرگراییانه مطرح است. (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ Durmmond, 2011)

امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی با منافع عملکردی، محیطی و اجتماعی کاربری اراضی ترکیبی موافق‌اند. اصول کاربری مختلط پایه تفکر اصلی پارادایم برنامه‌ریزی معاصر مؤثر مثل رشد هوشمند، نوشهرگرایی و توسعه پایدار می‌باشند. با این وجود این نظریه دارای معارضان جدی نیز می‌باشد. جدول ۱ بخشی از آرای این دو گروه را نمایش می‌دهد.

جدول ۱- آرای موافقان و مخالفان کاربری ترکیبی زمین

اجتماعی	شهری	زیست محیطی
<ul style="list-style-type: none"> • بهبود دسترسی پیاده و با دوچرخه به خدمات شهری منجر به ایجاد تعاملات اجتماعی و همگرایی اجتماعی شده و در نتیجه بهبود اعتماد متقابل، گسترش تعاملات اجتماعی و افزایش حس مشارکت‌پذیری مدنی و ایجاد و گسترش شبکه‌های حمایتی و در نتیجه افزایش جس تعلق مکانی، سرزندگی و امنیت ادراکی و تحقق سرمایه اجتماعی می‌شود. • منافع اقتصادی ناشی از دریافت مالیاتهای محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • فعالسازی مناطق در حال افول شهری به‌واسطه ترکیب کاربری مسکونی، عمومی و فعالیت‌های تجاری و بهبود دسترسی مناطق مسکونی به خدمات • افزایش زمین مورد نیاز برای توسعه‌های آتی شهری و ایمن سازی فرصت‌ها و افزایش دامنه‌گزینه‌های مسکونی • افزایش هویت منطقه‌ای و تقویت مزایای آن از طریق گسترش تعاملات اجتماعی • افزایش تراکم کاربری‌ها و یکپارچه سازی شهری 	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش وابستگی به خودورهای شخصی، کاهش ترافیک و کاهش آلودگی هوا

مبارزان	<ul style="list-style-type: none"> • کاربری‌ها آلودگی‌ها (هوا، صوتی و ...) را به داخل بلوک‌های شهری منتقل می‌کنند • همپوشانی کاربری‌های صنعتی، تجاری و مسکونی منجر به ایجاد منبع آلودگی هوا در درون تراکم شهری می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • پراکندگی کاربریهای کارگاهی و تجاری در بین کاربریهای مسکونی منجر به ایجاد ترافیک در محورهای مسکونی می‌شود. • عدم تناسب عرض راهها و حجم جابجایی آن با کاربری‌های موجود و در نتیجه گسترش ترافیک • مشکل عدم دسترسی به پارکینگ 	<ul style="list-style-type: none"> • نرخ بالای ازدحام در محدوده کاربری ترکیبی • افزایش بی‌رویه تراکم جمعیتی • افزایش نرخ خشونت و جرایم • عدم وجود حریم مسکونی خصوصی
----------------	--	---	---

(منبع:Koster and Rouwendal,2012 ; ACT Land Development Agency,2012)

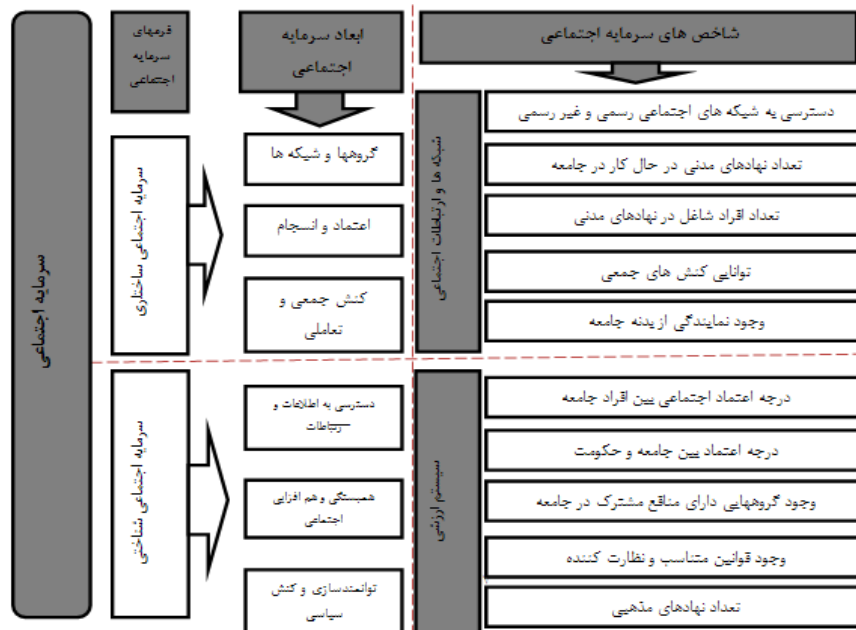
سرمایه اجتماعی یک جامعه شامل نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که تعاملات میان مردم را کنترل کرده و به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. این ایده که روابط اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها، و ارزش‌ها در عملکرد و توسعه جامعه اهمیت دارد مدت‌ها در اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و ادبیات علوم سیاسی مطرح بوده است. با این حال، فقط تقریباً در ۱۰ سال گذشته بوده است که ایده سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی یکپارچه هسته این دیدگاه‌های چندرشته‌ای را در بر گرفته است. از این‌رو تلاش‌های بسیاری برای تعریف این مفهوم و توسعه مرزهای مفهومی برای آن صورت گرفته است. (Christiaan,2001)

نظریه سرمایه اجتماعی، از عقاید پیروی و جیمز کلمن نشأت می‌گیرد که بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی تأکید می‌کنند. رابرت پوتنام در کتاب «بولینگ یک نفره» و «کارکرد دموکراسی‌ها» به توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی می‌پردازد. از نظر وی سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی است که از این طریق حاصل می‌شود. این روابط، وظایف و مسئولیت‌های متقابل همراه با هنجارهای عمومی به‌وجود می‌آورد، به نحوی که اوضاع را جهت همکاری، مشارکت و تعاون در راستای ایجاد منافع جمعی بهبود می‌بخشد. چنانچه سرمایه اجتماعی موجب تسهیل در کسب نتایج عمومی و ایجاد خوی همکاری شود، منطقی است که آن را به عنوان موجد یا همسنگ سرمایه مادی و انسانی در نظر بگیریم. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که بعنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری یک جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (سوری، ۱۳۹۴: ۱۱۲). خواه در سطح خرد یا کلان، سرمایه اجتماعی بر امر توسعه به‌عنوان بر هم کنش میان دو نوع متمایز از سرمایه اجتماعی - سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی (ادراکی) - تأثیرگذار است. سرمایه اجتماعی ساختاری، اشتراک اطلاعات، اقدامات جمعی و تصمیم‌سازی بر اساس نقش‌های تثبیت شده و شبکه‌های اجتماعی و سایر ساختارهای اجتماعی که به واسطه قوانین، روابط او سوابق اجتماعی پدید آمده‌اند را تسهیل می‌نماید. به همین ترتیب، یک ساختار نسبتاً هدفمند و دارای نمود خارجی است. در حالیکه، سرمایه اجتماعی شناختی به هنجارهای مشترک، ارزش‌ها، اعتماد، نگرش‌ها و باورها گرایش داشته و لذا بیشتر امری سوژکتیو، ذهنی و غیرملموس است

(Uphoff, 2000). این دو فرم سرمایه اجتماعی - نه لزوماً - می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. همکاری بین همسایگان می‌تواند بر اساس یک پیوند شناختی شخصی باشد که ممکن است در یک ساختار رسمی ساختاری منعکس نشود. به همین ترتیب، وجود از یک انجمن اجتماعی لزوماً به معنی وجود ارتباطات شخصی قوی میان اعضای آن نیست. چرا که مشارکت در فعالیت‌های آن داوطلبانه نیست یا آنکه زیرا موجودیت آن ناشی از عوامل بیرونی بوده است. تعامل اجتماعی از طریق تداوم اثرات آن که در هر دو سطح شناختی و ساختاری می‌تواند تضمین شود قابل تبدیل به سرمایه است (Woolcock and Deepa, 2000).

منطبق بر تعریف فوق از سرمایه اجتماعی ابعاد سرمایه اجتماعی توسط متفکرین مختلف برشمرده شده است. نوریس (2005) ابعاد را سرمایه اجتماعی مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و حمایت، مشارکت مدنی معرفی اعتماد و عمل متقابل معرفی کرده است. بریانت و نوریس (2002) نیز این ابعاد را به شرح زیر برای سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند: ۱. مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی و التزام ۲. میزان توانمندی (که همان کنترل و خودکارایی است) ۳. احساس عضویت در اجتماع ۴. شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی ۵. اعتماد، عمل متقابل و همبستگی اجتماعی. هارپر (2002) نیز سرمایه اجتماعی را بر اساس ابعاد شامل مشارکت اجتماعی (شبکه‌ها)، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی (شبکه‌ها)، عمل متقابل و اعتماد (هنجارها و ارزشهای مشترک)، مشارکت مدنی (همکاری) و جنبه‌های منطقه محلی (هنجارها و ارزشهای مشترک) ارائه می‌کند. (معصومی‌راد، ۱۳۹۰؛ نوغانی و اصغرپور، ۱۳۸۷). ابعاد مشترک سرمایه اجتماعی جوامع را می‌توان مشتمل بر موارد زیر دانست: (شرفیان ثانی، ۱۳۹۰)

۱. **گروه‌ها و شبکه‌ها** که یکی از ارکان مشترک بوده و ناظر بر میزان مشارکت فردی در اشکال مختلف سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی می‌باشد.
۲. **اعتماد و انسجام** این بعد شامل مرزها و درجات اعتماد اجتماعی افراد جامعه و ثبات و تنوع این اعتماد در طول زمان، خواه بین افراد داخل خوشه شهری یا در میان جمعیت‌ها و نهادهای محلی است.
۳. **کنش جمعی و تعاملی** این بعد توانایی افراد برای کار با دیگران در جوامع خود از طریق پروژه‌های مشترک و امکان سرمایه‌گذاری در همکاری خود بررسی می‌کند.
۴. **دسترسی به اطلاعات و ارتباطات** عنصر مرکزی در کمک به جوامع برای داشتن صدای قوی در مسائل ارتباط به استانداردهای زندگی آنها دارد است. این بعد ابزاری را از طریق که هر فرد می‌تواند به اطلاعات مربوط به شرایط زندگی خود دسترسی داشته باشد
۵. **همبستگی اجتماعی و هم‌افزایی جوامع** که شامل تشخیص و تعیین ماهیت شکافها و نابرابری‌های اجتماعی و مکانیسم‌های غلبه بر آنهاست.
۶. **توانمندسازی و کنش سیاسی** این بعد ناظر بر قدرت دادن به مردم تا آنجا که آنها بتوانند بر پروسه‌هایی را که به طور مستقیم بر سطح زندگی خود اثرگذار هستند تسلط یافته و آنها را کنترل نمایند.



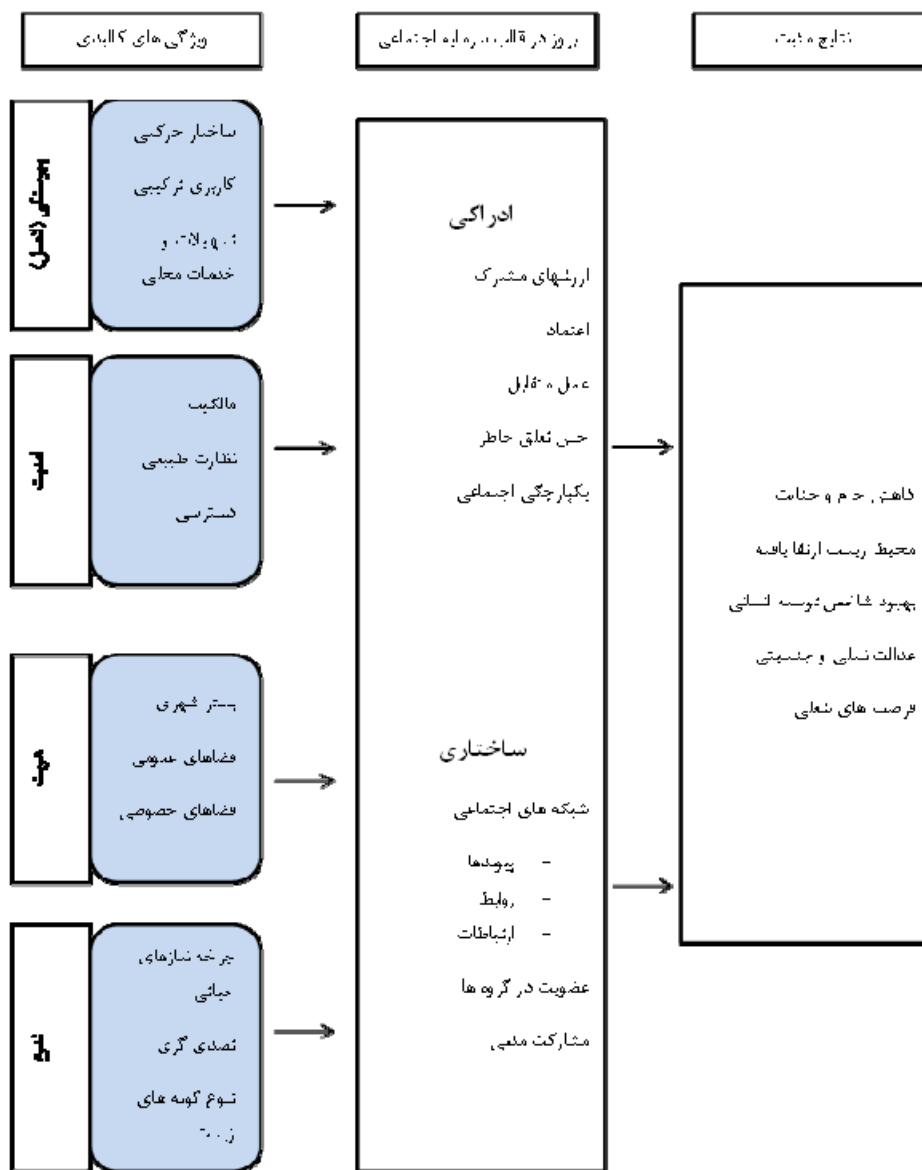
شکل ۲- شاخص‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به واسطه مکانیسم‌هایی چون ارتقا توانایی‌های جامعه برای نظارت بر عملکردها، افزایش مشارکت و همکاری در حل مسائل جامعه، تسهیل در انتشار آثار ناشی از نوآوری-های اجتماعی، کاهش نقصان در دسترسی به اطلاعات و افزایش اعتماد عمومی بر خروجی‌های اجتماعی اثر می‌گذارد (Valdis, 2008). از این دیدگاه سرمایه اجتماعی همراه سرمایه‌های طبیعی، انسانساخت و انسانی جزئی تفکیک ناپذیر از مجموع ثروت یک جامعه بوده و در چارچوب نظر توسعه پایدار ایجاد، حفظ و غنا بخشیدن بدان برای نسل‌های آتی جزو اهدافی است که توسعه پایدار ملزم به پیروی از آن است (شریفیان ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰).

در بستر شهری، محیط کالبدی و اجتماعی به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک هستند. محیط کالبدی به‌عنوان مجموعه‌ای از مواد و فرایندها فیزیکی که افراد در قالب آن زندگی می‌کنند، هم ایجاد کننده و هم نتیجه روابط اجتماعی است. با وجود این رابطه نمادین، تحقیق درباره سهم فرم-های شهری بر توسعه سرمایه اجتماعی امری متأخر است (Vilar and Cartes, 2015: 59). این امر برای اولین بار توسط گروهی از متفکران برنامه‌ریزی شهری مانند جین جیکوب، لوفور، وایت، سوچا و لینچ در قالب جنبش نوشهرگرایی مطرح شد. آنها در پی ایجاد واحدهای همسایگی پویا از طریق مشارکت فعالانه مردم و تامین نیازهای حیاتی و خدمات شهری در قالب دسترسی پیاده در سطح محلات شهری بودند (Jacobs, 1992). مفهوم کنونی طراحی شهری، که به عنوان "ساخت مکان برای مردم" شناخته می‌شود، نشان می‌دهد که فضای شهری تأثیر مستقیم بر کیفیت، محتوای و شدت ارتباطات اجتماعی ندارد، اما می‌تواند فرصت‌هایی را برای تعاملات اجتماعی، به اشتراک گذاری در میان مردم، به عنوان نقطه شروع برای ایجاد شبکه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورد (Carmona, 2003). مفهوم کلیدی که فرم‌های شهری از آن طریق می‌توانند موجب تحقق و ارتقاء سرمایه اجتماعی شوند طرح‌ریزی برای ایجاد ثبات سکونتگاهی و تعاملات اجتماعی مکرر می‌باشد (Sander, 2002; Dannenberg et al., 2003; Moobela et al, 2009).

در تحقیقی که پوتمن (2000) در مورد نحوه تأثیرگذاری فرم‌های شهری بر تسهیل و سازمان دهی تنوع اجتماعی و کاهش جدایی‌گزینی انجام داد، نشان داده شده است که واحدهای همسایگی پیاده محور و کاربری ترکیبی زمین منجر به تعامل ساکنین در طول پیاده راه‌ها شده و افزایش تواتر تماس‌های فردی و اجتماعی می‌شود. همچنین افرادی که در چنین محلاتی زندگی می‌کنند حس تعلق مکانی بیشتری را نشان داده و سطح تمایل به سکونت بلند مدت در واحد همسایگی در آنها نسبت به محلات وابسته به اتومبیل‌های شخصی بیشتر است. بنابراین، از آنجا که در مرکز مفهوم سرمایه اجتماعی تعامل و اعتماد بین افراد و گروه‌ها قرار دارد که عامل زمان‌نقشی اساسی در تقویت آن دارد، فرم شهری فشرده و استفاده ترکیبی از زمین می‌تواند نقش اساسی در بهبود و تحقق سرمایه اجتماعی ایفا کند.

چهار ویژگی اصلی فرم‌های شهری شامل پیوستگی، هویت، تنوع و امنیت که منجر به ارتقا سرمایه اجتماعی می‌شوند در شکل ۳ نشان داده شده‌اند.



شکل ۳- نحوه ارتباط فرم‌های شهری با سرمایه اجتماعی (Moobela, 2009)

داده‌ها و روش‌ها

روش تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان ساکن در محلات ۲۲ گانه شهر بابلسر، معادل ۵۲۶۰۹ نفر بوده، که ۳۸۲ نفر از آنان با استفاده از روش کوکران^۱ با سطح اطمینان ۰.۰۵ و $p=q=0.05$ به‌عنوان نمونه انتخاب شده و با استفاده از روش تخصیص متناسب در محلات ۲۲ گانه مطابق جدول ۲ توزیع شده‌اند.

جدول ۲- تعداد جامعه و حجم نمونه در واحدهای همسایگی (منبع: بازنگری طرح جامع سال ۱۳۸۵ و لحاظ نمودن نرخ رشد جمعیت و محاسبات نگارنده)

ردیف	نام واحد همسایگی	جمعیت واحد همسایگی	درصد به کل جمعیت	تعداد نمونه گرفته شده از واحد همسایگی
۱	علی اباد میر	۳۱۴	۰.۴۵	۳
۲	یور محله بالا	۳۸۷۱	۷.۳۷	۲۹
۳	یور محله	۴۲۵۸	۸.۱۶	۳۱
۴	شهرک دانشگاه	۱۴۸۶	۲.۸۳	۱۱
۵	شهرک قائم	۲۰۱۵	۳.۸۴	۱۴
۶	شهرک ساحلی	۲۶۷۳	۵.۱	۲۰
۷	پارکینگ‌ها	۱۴۵	۰.۲۸	۲
۸	کتی بن	۱۷۹۱	۳.۴۱	۱۳
۹	شهرک آزادگان	۲۶۱۹	۴.۹۹	۱۹
۱۰	کاظم آباد	۳۰۷۶	۵.۸۶	۲۲
۱۱	همت آباد	۵۷۴۵	۱۰.۹۵	۴۱
۱۲	شهدا محله (قاضی محله)	۲۷۰۷	۵.۱۶	۲۰
۱۳	بازار محله	۲۷۹۵	۵.۳۲	۲۱
۱۴	سادات محله	۴۲۵۴	۸.۱۱	۳۰
۱۵	بی بی سر روزه	۳۹۷۷	۷.۵۸	۲۹
۱۶	جوادیه	۱۹۵۸	۳.۷۳	۱۴
۱۷	ولیعصر	۱۷۸۳	۳.۴	۱۲
۱۸	نخست وزیری	۵۲۵	۱	۴
۱۹	جواهری	۱۴۳۴	۲.۷۴	۱۰
۲۰	علوم پایه	۶۹۳	۱.۳۲	۶
۲۱	قائمیه	۲۳۳۱	۴.۴	۱۷
۲۲	میان دشت	۲۱۳۲	۳.۸	۱۴
	مجموع	۵۲۶۰۹	۱۰۰	۳۸۲

۱. فرمول کوکران روشی استاندارد برای برآورد تعداد نمونه که در آن n حجم نمونه N حجم جامعه آماری Z در صد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول p نسبتی از جمعیت دارای صفت معین $q=1-p$ نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین و d درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب بوده و مطابق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$n = \frac{Z^2 pq / d^2}{1 + \frac{Z^2 pq}{d^2 N}}$$

روش گردآوری اطلاعات از طریق روش‌های اسنادی و میدانی بوده است. جهت جمع‌آوری متغیرها و شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق از اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن استان مازندران (۱۳۹۰)، سالنامه آماری استان (۱۳۹۲) و طرح تفصیلی شهر بابلسر (۱۳۸۵) استفاده شده است. همچنین سایر داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه خانوار، با رعایت اصول روایی و پایایی جمع‌آوری شده است.

متغیرهای پژوهش در دو دسته کلی متغیرهای مربوط به متغیرهای سنجش میزان ترکیبی بودن کاربری اراضی و سرمایه اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی از طریق متغیرهای چهارگانه مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و شبکه‌های اجتماعی و حمایت بر اساس مدل نوریس (2005) در سطح شهر ساحلی بابلسر از روش ویکور سنجش شده است و برای سنجش کاربری ترکیبی نیز از شاخص کاربری ترکیبی فرانک^۱ استفاده شده است.

جدول ۲- متغیرهای پژوهش بر اساس مدل نوریس

متغیر وابسته	متغیر مستقل	سنجه
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	تعداد گروههایی که فرد به آن تعلق دارد (x1)
		شدت تعهد به امور داوطلبانه (x2)
		میزان فعالیت‌های دینی (x3)
	مشارکت مدنی	اعتماد به نهادهای شهری (x4)
		تمایل به مشارکت در انتخابات محلی (x5)
		ارتباط با گروه‌های کنش محلی (x6)
	اعتماد متقابل	میزان ارزش‌های مشترک در واحد همسایگی (x7)
		میزان اعتماد به افراد دیگر (x8)
	شبکه‌های اجتماعی و حمایت	میزان تعاملات با همسایگان (x9)
		میزان رضایتمندی از زندگی (x10)
		تعداد افراد نزدیک به خود که در مجاورت او زندگی می‌کنند (x11)
		احساس کنترل بر زندگی (x12)

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا به منظور محاسبه شاخص کاربری ترکیبی فرانک در سطح محلات شهر ساحلی بابلسر مساحت کاربری‌های مختلف در سطح محلات برآورد شده و شاخص کاربری ترکیبی مطابق جدول ۴ به دست آمده است.

جدول ۳- شاخص کاربری ترکیبی فرانک در سطح محلات شهر بابلسر

نام محله	مساحت کاربری مسکونی	مساحت کاربری تجاری	مساحت کاربری اداری	مساحت کاربری آموزشی	مساحت کاربری پارک و سبز	شاخص فرانک

۱. شاخص کاربری ترکیبی فرانک بصورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{Land use mix indicator} = (-1) * [(b1/a)\text{Ln}(b1/a) + (b2/a)\text{Ln}(b2/a) + (b3/a)\text{Ln}(b3/a) + (b4/a)\text{Ln}(b4/a) + (b5/a)\text{Ln}(b5/a)] / \text{Ln}(n5)$$

که در آن a مساحت کلی زمین‌ها برای سه نوع کاربری b1 مساحت کاربری مسکونی b2 کاربری تجاری و b3 کاربری اداری، b4 مساحت کاربری آموزشی و b5 مساحت کاربری فضای سبز است.

۰.۳۲۳۱۸۶	۰	۰	۰.۰۱۷	۰.۰۱۶۳۴	۱۶.۱۷۱۴	علی آباد میر
۰.۲۴۶۶۵۶	۰.۴۶۵۹	۰.۳۹۷۳	۰.۴۵۹۷	۲.۶۳۰۳	۲۹.۹۷۳	یور محله بالا
۰.۳۴۰۴۱۹	۰.۱۳۴	۱.۶۱۷۸	۰.۲	۱.۴۱۲۵	۳۱.۷۸۵۱	یور محله
۰.۴۳۰۶۳	۰.۰۵	۱.۱۵۵۴	۰.۵۲۰۵	۰.۲۱۲۱	۱۳.۰۸۵۴	شهرک دانشگاه
۰.۳۰۷۶۱۵	۰.۰۴۷	۰	۰.۱۷۸۹	۰.۳۶۵۵	۱۱.۰۶۶	شهرک قائم
۰.۵۲۹۳۳۲	۱.۴۹۷۹	۱.۱۸۴۲	۰.۳۷۲۴	۰.۲۷۱۷	۱۵.۹۵۸۴	شهرک ساحلی
۰.۰۷۹۰۲۶	۰.۷۱۹	۰	۰.۴۴۶۲	۰.۱۲۸۵	۱.۵۲۳۸	پارکینگ ها
۰.۴۹۱۴۲۱	۱.۴۳۷۵	۰.۰۵	۴.۹۵۰۹	۰.۵۵۴۹	۱۹.۶۵۹	کتی بن
۰.۱۷۶۶۹۲	۰	۰	۰.۲۸۰۲	۰.۵۵۸۱	۵.۷۲۶۹	شهرک آزادگان
۰.۳۵۸۷۳۱	۲.۵۸۳	۰.۳۹۲۹	۰.۴۶۲۳	۰.۵۶۶۶	۱۶.۹۹۸۷	کاظم آباد
۰.۳۵۵۳۴۳	۰.۳۶۱۱	۲.۱۱	۳.۵۵۹۷	۱.۶۰۴۵	۵۷.۵۰۵۳	همت آباد
۰.۳۶۲۹۹۳	۰	۰.۴۲۵۸	۰.۲۰۲۴	۱.۵۰۵۴	۲۴.۹۸۶۸	شهدا
۰.۶۰۱۳۶	۰.۱۴۸۲	۶.۴۰۸۵	۰.۵۴۶۱	۷.۴۸۸۶	۲۵.۸۳۰۹	بازار محله
۰.۳۹۶۸۳۴	۰.۳۱	۳.۲۵	۰.۲۴۶۹	۲.۲۹۱۱	۳۵.۹۶۵۷	سادات محله
۰.۲۱۰۳۲	۰	۰.۲۳۳۸	۰.۵	۰.۱۵۵۹	۱۲.۸۷۳۵	بی بی سر روزه
۰.۴۶۳۷۰۵	۰	۰.۶۸۷۳	۰	۰.۶۲۲۳	۱۵.۶۳۴۱	جوادیه
۰.۲۸۹۳۳۵	۰.۱۵۲۶	۰.۴۵۴۸	۰	۰.۲۵	۱۷.۳۴۳۶	ولیعصر
۰.۱۵۳۷۱۷	۰	۰	۰.۴۵۱	۰.۴۱۷	۵.۲۰۷	نخست وزیری
۰.۲۵۱۰۲۶	۰	۲۹.۷۷۷	۰	۰.۷۹۴۴	۱۲.۳۳۱۱	جواهری
۰.۲۳۸۷۶۹	۰	۹۵	۶.۷۸۷۴	۰.۶	۲.۳۹۴۵	علوم پایه
۰.۲۸۶۲۸	۰	۰.۹۸۶۴	۰	۰.۵۴۷۲	۱۴.۹۷۷۳	قائمیه
۰.۲۶۶۰۲۸	۰	۰	۰.۴۶۶	۰.۷۱	۱۳.۸۷۸۶	میان دشت

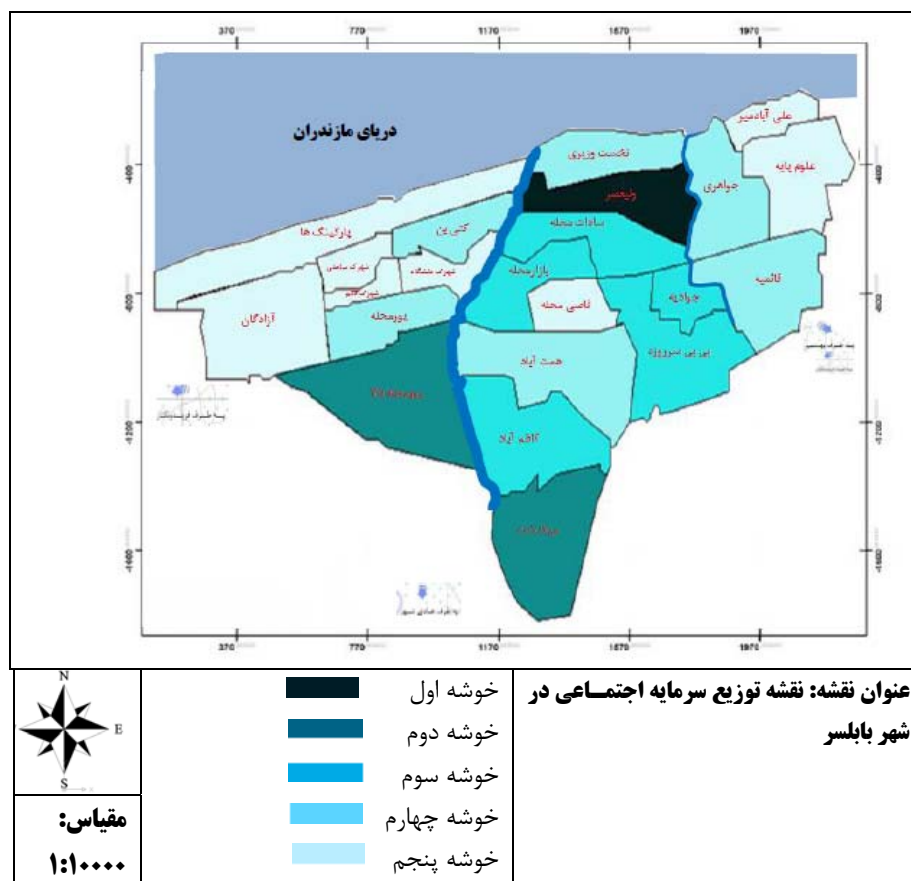
بعلاوه امتیاز سرمایه اجتماعی محلات شهر نیز از طریق روش ویکور محاسبه و نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۴- مقدار ویکور برای شاخص‌های سرمایه اجتماعی در محلات بابلسر

مقدار ویکور	X12	X11	X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1	
۰.۱۳۰۱۷۱	۳.۷۵	۴	۳.۷۵	۲.۹ ۵	۲.۶ ۵	۱.۸ ۵	۵.۳	۲.۲	۲	۰.۶ ۴۵	۲	۲.۷	علی آباد میر
۰.۸۱۳۴۴۴	۳.۵	۳	۲	۱.۵	۲.۵	۲	۲۹.۵	۳	۱.۵	۰.۵	۲	۲.۵	یور محله بالا
۰.۳۱۸۱۹۷	۴	۳۵.۴	۴.۰۵	۳	۲.۹	۱.۵	۱۳	۳	۱	۰.۵	۱.۵	۳	یور محله
۰.۲۴۳۳۸۴	۴	۴	۳.۲۵	۲.۲ ۵	۳.۲	۱.۴	۸.۶	۱.۷ ۵	۱.۷	۰.۴ ۵	۳.۱۵	۳.۳	ش دانشگاه
۰.۱۱۸۸۴۲	۳.۹۵	۴۶	۳	۲.۳	۲.۶	۱.۶ ۵	۶.۹۵	۱.۷ ۵	۱.۵	۰.۴ ۲	۲.۲۵	۲.۹ ۷۵	ش قائم
۰.۱۶۴۸۶۷	۳.۲	۲.۶	۲.۲	۱.۲	۳	۱.۴	۷.۴۵	۱.۸ ۴۵	۱.۶ ۵	۰.۴ ۲۵	۲.۹۸۵	۲.۵ ۵	ش ساحلی
۰.۰۳۴۱۳۶	۳.۱	۲.۵	۲.۹	۲	۲	۱.۴	۷	۶.۱	۱.۶	۰.۲	۱.۸	۳.۲	پارکینگ‌ها
۰.۴۸۶۷۲۱	۳	۳	۳	۳	۳.۱ ۳	۲.۰ ۳	۱۶.۲	۲.۳	۱.۸ ۷۵	۰.۵ ۵	۲.۵	۲.۵	کتی بن
۰.۲۱۳۷۳۹	۲	۲.۵	۲	۱.۵	۲.۹	۱.۹ ۳	۹.۲	۲.۱	۱.۵	۰.۴ ۵	۱.۹۵	۲.۸ ۳۳	ش آزادگان
۰.۶۲۹۴۱۱	۲.۷۵	۲.۷۵	۲.۵	۱.۷ ۵	۱.۷	۳	۲۳.۵	۲.۵	۱.۵	۰.۵	۲.۵	۱.۵	کاظم آباد
۰.۴۳۰۳۶۶	۲.۷۵	۲.۵	۲.۷۵	۱.۷ ۵	۱.۲ ۵	۲	۱۳.۷۵	۲.۵	۳	۰ ۷۵	۳.۲۵	۲.۵	همت آباد

۰.۱۲۵۰۹۷	۲۵	۲۵	۳	۲۵	۱۲	۱۵	۸.۷۵	۲.۲	۲	۰.۵	۲	۲۵	شهلا
۰.۶۳۶۵۷	۳	۳	۲۶	۱.۴	۱۵	۲	۲۲	۱.۵	۲.۵	۱	۲	۲۵	بازار محله
۰.۶۳۶۵۷	۲.۶	۲.۸	۲.۶	۱.۲	۲.۴	۲	۳۳.۲	۳.۴	۳	۰.۶	۱.۶	۲	سادات محله
۰.۵۰۷۱۸۴	۱.۴۵	۱.۸	۱.۹۵	۱.۸	۱.۸	۲.۸	۱۷.۶	۲.۲	۲.۴	۰.۸	۲	۱.۶	بسی سر روضه
۰.۵۲۷۹۶	۳.۵	۴	۳.۵	۲.۵	۱.۹	۲.۷	۱۶.۷۵	۳	۲.۲	۰.۸	۲.۵۵	۱.۵	جوادیه
۰.۹۳۳۷۵۴	۲.۵	۲.۲۵	۲.۵	۲.۲	۲.۲	۲.۵	۳۶.۵	۳	۲	۱	۱.۵	۲	ولیعصر
۰.۳۶۵۴۶۴	۲.۱۵	۲.۱۵	۲	۱.۹	۲.۶	۲	۱۱.۷۵	۳	۳.۵	۰.۵	۱.۷۵	۲.۲	نخست وزیری
۰.۳۶۴۰۶۱	۲.۲۴	۲.۰۴	۲.۳۵	۱.۹	۱.۹	۲.۵	۱۳	۲	۲.۵	۰.۷	۲	۲	جوهری
۰.۲۲۰۵۱۵	۳	۳	۳	۱.۵	۲	۱.۸	۸.۵	۲.۵	۲.۲	۰.۷	۲	۲.۲	علوم پایه
۰.۳۷۳۳	۱.۴۵	۱.۳	۲.۰۵	۱.۲	۱.۲	۲.۸	۱۴	۳.۰	۱.۹	۰.۹	۱.۴۷۵	۱.۴	قائمیه
۰.۷۵۹۱۵	۲.۶۶۶۶ ۶۷	۲.۵	۲.۱۶۶۶ ۶۷	۱.۳	.۱	۲.۳	۲۵.۱۶	۲.۸	۲.۳	۰.۸	۱.۸۳۳	۲.۳	میانداشت

نقشه شماره ۱ نحوه توزیع فضایی شاخص سرمایه اجتماعی را در محلات شهر بابلسر در پنج خوشه نشان می‌دهد.



نقشه ۱- نقشه توزیع فضایی سرمایه اجتماعی شهر بابلسر

جدول ۵ نشان می‌دهد که در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی شاخص شبکه‌های اجتماعی و حمایت با متوسط امتیاز ۰.۱۰۲ در رتبه اول شاخص، اعتماد متقابل با متوسط امتیاز ۰.۰۹۴۷ در رتبه دوم، شاخص مشارکت اجتماعی ما میانگین امتیاز ۰.۰۶۳۵ در رتبه سوم و شاخص مشارکت مدنی با میانگین امتیاز ۰.۰۵۸۲ در رتبه انتهایی قرار می‌گیرد. بعلاوه در پاسخ به پرسش اول پژوهش و با عنایت به خروجی مدل ویکور که در نقشه ۱ نشان داده شده است، مشخص است از که محلات پیرامونی چون میاندشت و یور محله بالا که عمدتاً از بافت روستایی وارد شهر شده‌اند و هنوز خصوصیات روستایی خود را حفظ کرده‌اند و محلات بخش مرکزی منطبق بر هسته اولیه شهری که حس تعلق خاطر ساکنان در آن‌ها بالاتر است میزان بالاتری از سطوح سرمایه اجتماعی را در خود نشان می‌دهند.

به منظور پاسخ به پرسش دوم پژوهش در راستای ارزیابی میزان تاثیرگذاری کاربری ترکیبی بر سرمایه اجتماعی ضریب همبستگی اسپیرمن بین این دو شاخص مطابق جدول ۶ محاسبه شده است.

جدول ۵- ضریب همبستگی اسپیرمن بین شاخص کاربری ترکیبی و سرمایه اجتماعی در سطح محلات شهر بابلسر

شاخص ترکیبی فرانک	
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی
	۰.۲۶۳
	ضریب معنی داری دو طرفه
	۰.۲۳۸
	فراوانی داده‌ها
	۲۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود بین شاخص کاربری ترکیبی فرانک و سطوح سرمایه اجتماعی در شهر ساحلی بابلسر رابطه‌ای مستقیم با ضریب همبستگی ۰.۲۶۳ وجود دارد. این رابطه در رابطه با محلات بخش مرکزی شهر و در شرق بابلرود که منطبق بر هسته‌های اولیه شهر است پررنگتر بوده و در محلات جنوبی شهر به سبب پایین بودن میزان شاخص کاربری ترکیبی فرانک و در محلات غرب بابلرود به دلیل پایین بودن میزان شاخص سرمایه اجتماعی کمرنگتر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مناطق ساحلی از حیث تاریخی و جغرافیایی منحصر به فرد هستند. منحصربه‌فردترین ویژگی این مناطق اکوسیستم آن بوده که سرمایه طبیعی بالایی را در این مناطق ایجاد کرده و ارزش آن را دوچندان نموده است. در عین حال پیچیدگی اکوسیستمی این مناطق منجر به پیچیده شدن فرایند رشد و توسعه در این مناطق نیز شده است. جذابیت زندگی در مناطق ساحلی و خصوصیات منحصر به فرد آن که کیفیت زندگی در این مناطق را افزایش داده است، موجب افزایش تقاضا برای زندگی در مناطق ساحلی شده و این مناطق را تبدیل به میزبان جمعیتی انسانی وسیع و در حال رشد در جهان کرده است. در عین حال که شاهد روند فزاینده گسترش شهرنشینی و تعدد شهرها در این مناطق هستیم، لزوم تأمین نیازهای فزاینده جمعیت رو به رشد این مناطق و توسعه

روزافزون زیرساخت‌های شهری در آن فشار زیادی را بر اکوسیستم این مناطق وارد آورده و سبب تبدیل زمین‌های ساحلی به زمین‌های شهری شده است، به گونه‌ای که موجبات تهدید کیفیت محیط زیست ساحلی را فراهم کرده است. از این رو برنامه‌ریزی شهرهای ساحلی به دنبال الگویی فضایی در توسعه شهری است که در آن فرم‌های فضایی در ارتباط تنگاتنگ با توسعه پایدار شهرهای ساحلی قرار گیرد. از دیگر سو و با عنایت بر ماهیت فراگیر توسعه پایدار، توجه به مبانی نظری توسعه متوازن و پایدار از یک سو و سرمایه اجتماعی از سوی دیگر نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه در گرو پیوند متناسب بین توسعه و سرمایه اجتماعی است. اما آن چه مورد تأکید قرار گرفته این است که باید مدل توسعه بومی و فرهنگی به صورت متوازن و پایدار طراحی شود که در این صورت سرمایه اجتماعی ملی ناگزیر یکی از ارکان آن را تشکیل خواهد داد. تقویت سرمایه اجتماعی ملی البته به معنای انهدام یا تضعیف شبکه‌های فروملی نیست، بلکه بر پررنگ شدن آرمان‌ها و ارزش‌ها در سطح ملی در تعاملات و پیوندهای گروهی تأکید دارد. اهمیت آن امر در شهرهای ساحلی به‌عنوان شهری ترین سیستم زیستی در سطح جهان دوچندان می‌باشد. شهر ساحلی بابلسر، از حیث سرمایه اجتماعی، علیرغم دانشگاهی بودن و درصد بالای باسوادی در بین ساکنان آن محلات شهر در وضعیت مناسبی قرار ندارند. مطابق محاسبات محلاتی چون شهرک ساحلی، شهرک دانشگاه و کتی‌بن علیرغم سطح بالای تحصیلات سرپرست خانوار از حیث تعاملات اجتماعی ساکنان و حس تعلق مکانی نسبت به محلات پیرامونی در وضعیت پایین‌تری قرار دارند. بعلاوه عدم احساس امنیت اجتماعی در این محلات شدیدتر است که می‌توان آن را به مجاورت با محله‌های مورد استفاده مسافران و تفریحات و تعریف حداکثری ساکنان آن نسبت به مقوله امنیت اجتماعی نسبت داد. در کل رابطه رابطه‌ای در جهت عکس بین سرمایه اجتماعی و موقعیت اقتصادی ساکنان محلات از یک سو و تراکم و فشردگی شهری از دیگر سو به چشم می‌خورد. با این وجود، مطابق یافته‌های پژوهش ارتباط مستقیم و معنی داری بین کاربری ترکیبی و میزان سرمایه اجتماعی در سطح شهر ساحلی بابلسر وجود دارد. نتایج پژوهش همچنین نشانگر موارد زیر هستند.

- شاخص‌های مشارکت سیاسی و مدنی در محلات غرب بابلرود نسبت به محلات پیرامونی و جنوبی بیشتر می‌باشند. در حالی که حس اعتماد و امنیت متقابل و شبکه‌های اجتماعی و حمایتی در محلات هسته اولیه شهری و محلات پیرامونی که از نواحی روستایی وارد حریم شهری شده‌اند افزونتر است.
- بین سرمایه اجتماعی و کاربری ترکیبی ارتباط مستقیم وجود دارد. هرچه میزان شاخص کاربری ترکیبی بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی افزونتر می‌گردد. این امر به سبب جذب طبقات مایل به مشارکت اجتماعی و مدنی در محلات با بیشترین کاربری به سبب برخورداری از تسهیلات و دسترسی به خدمات شهری است. در عین حال در این محلات حس شبکه سازی و حمایت و اعتماد اجتماعی کمتر است.
- کاربری ترکیبی منجر به افزایش هر دو فرم شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی می‌شود. با این وجود تأثیر آن بر فرم شناختی بیشتر بوده و میزان اثرات آن در ایجاد ساختارهای اجتماعی مناسب که ماهیتی سوپژکتیو و ذهنی دارند کمتر می‌باشد.
- عواملی چون قدمت محدوده، پیش زمینه تاریخی و توسعه و سیر تکاملی آن بر میزان سرمایه اجتماعی اثرگذار هستند.

- فاکتورهای مختلفی چون ایجاد مناطق مخصوص پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، فضاهای سبز و فضاهای باز با افزایش تعاملات اجتماعی منجر به تحقق سرمایه اجتماعی می‌شوند.
- ارتقاء سرمایه اجتماعی یکی از عوامل مهم در دسترسی به توسعه پایدار شهری است. بر اساس این اصل افزایش کاربری‌های ترکیبی با بهبود سرمایه اجتماعی می‌توانند در دسترسی به توسعه پایدار شهری موثر باشند.

منابع

- پورمحمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴)، ارزیابی الگوی اختلاط کاربری زمین در محلات شهر سبزوار، *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۶(۲۲): ۳۴-۵۳.
- سوری، علی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در ایران، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۲۰: ۱۳۰-۱۰۷.
- سیف‌الدینی، فرانک و شورچه، جمال (۱۳۹۳)، *برنامه‌ریزی هوشمندانه، کاربری زمین و حمل و نقل شهری*، تهران: نشر مدیران امروز.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱(۲): ۵-۲۰.
- قریانی، رسول و نعیمه ترکمن‌نیا (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی کاربری ترکیبی بر تولید سفر در محلات شهر مشهد، *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱(۲): ۸۱-۹۱.
- معصومی‌راد (۱۳۹۰)، تبیین اهمیت سرمایه اجتماعی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار در ایران، *فصلنامه ره نامه سیاستگذاری*، ۲(۴): ۲۷-۵۶.
- نوغانی، محسن و احمدرضا اصغرپور (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، *فرآیند مدیریت و توسعه*، شماره ۶۸-۶۹: ۴۶-۳۱.
- ACT Land Development Agency (2012), Social and Economic Impacts of a Mixed Use Development within Campbell, Report, Section 5, California
- Areizaga, J, Sanò, M, Medina R. and Juanes J (2012), Improving public engagement in ICZM: A practical approach, In Journal of Environmental Management, Vol.109, 123-135
- Christiaan G, B. Thierry (2001), Understanding and Measuring Social Capital: A Synthesis of Findings and Recommendations from the Social Capital Initiative, The World Bank Social Development Family Environmentally and Socially Sustainable envelopment Network
- Drummond .W(2011), Mixed-Use Development in Theory and Practice: Learning from Atlanta's Mixed Experiences Masters Project, Georgia Institute of Technology
- Koster, J. Rouwendal (2012), The Impact of Mixed Land Use on Residential Property Values Vrije Universities Amsterdam, J.Reg. Sci. 52 (5), 733-761.
- International human dimensions program on global environment change (2015), Coastal zones and urbanization change: summary for decision makers, United Nations: UNU-IHDP Publication.
- Kar D (2007), Public access and importance of offers to dedicate on California's coastline, In Journal of Coastal Research, 23(2), 472-486
- Karen C. et al (2012), The Influence of Land Use Mix, Density and Urban Design on Health: A Critical Literature Review, University of York
- Lin K, Jhan, H, Lee M ; Liu W ; Wang Y and Tsai P (2013), The Taiwanese Institutional Arrangements for Ocean and Coastal Management Twenty Years after the Rio Declaration, In Coastal Management, 41(2), 134-149
- Marsousi N and Sadat Hosseini N (2008), Geography and urban planning: Master students book, Tehran: PNU Publication

- Rudianto Tantu and Gusti A (2014), analysis of coastal land conflict in the North of Jakarta coastal area: (A general algebraic modeling system approach), In Journal of coastal conservation, ,18(1), 69-74
- Uphoff N(2000), Understanding Social Capital: Learning from the Analysis and Experience of Participation ,Harvard
- Valdis K (2008), Social capital: the key to success for the 21st century organization, IHRIM J. XII (5)
- Voula M (2015), Conscious Coastal Cities : Sustainability, Blue Green Growth, and The Politics of Imagination, Switzerland: Springer
- Williams N (2014), Coastal TDRs and takings in a changing climate.(transferable development rights), In Urban lawyer,46(1),139-173
- Woolcock M and N. Deepa (2000), Social capital: implications for development theory, research, and policy, World Bank Res.Obs. 15 (2) 225–249.
- Harper, R. (2001), Social capital, a review of literature. London: Office of National Statistics.
- Aldridge, S., Halpern, D., and Fitzpatrick, S. (2002), Social capital, a discussion paper. London: Cabinet Office, Performance and Innovation Unit.
- Paranagamage P (2014), Urban design and social capital: lessons from case study in Braunstone, Leicester
- Baum, F. and Palmer, C. (2002), “Opportunity structures”: urban landscape, social capital and health promotion in Australia. Health Promotion International, 17 (4), 351–361.
- Lindstrom, M., Merlo, J., and Ostergren, P.O. (2003), Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmo. Sweden Social Science & Medicine, 56 (5), 1111–1120.
- Glaster G, Hanson R, Ratcliffe M, Wolman H, Coleman S and Ferihage J (2001), Wrestling sprawl to ground: Defining and measuring an elusive concept, In Housing policy debate, 12(4),681-718
- Vilar K and Cartes I (2016), Urban design and social capital in slums. Case study: Moravia’s neighborhood, Medellin, 2004-2014, In social and behavioral sciences, 56-67
- Carmona, M., Heath, T., Tiesdell, S. (2003), Public Spaces, Urban Spaces, The Dimensions of Urban Design, Oxford: Architectural Press.
- Dannenberg A., Jackson, R., Frumkin, H., Schieber, R., Pratt, M., Kochtitzky, C., Tilson, H. (2003), The Impact of Community Design and Land-Use Choices on Public Health: A Scientific Research Agenda. Am J Public Health, 93 (9): 1500–1508.
- Jacobs, J. (1992), The Death and Life of Great American Cities, New York: Vintage Books.
- Moobela, C.; Price, A.; Mathur, V.; Paranagamage, P. (2009), Investigating the Physical Determinants of Social Capital and Their Implications for Sustainable Urban Development. The International Journal of Environmental, Cultural, Economic and Social Sustainability, 5 (2): 255-270.
- Putman, R. (2000), Bowling Alone, The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon and Schuster.
- Sander, T. (2002), Social Capital and the New Urbanism: Leading a Civic Horse to Water. National Civic Review, Wiley Periodicals, 91 (3):213-234.